

A Comparative Study of the Concept of Freedom and its Implications in the Charter of Citizens' Rights and the Universal Declaration of Human Rights

*Ali Eslami*¹, *Zahra Jahangir*^{*2}, *Mohammad Kazem Kaveh Pishghadam*³

1. Bachelor's Student, Islamic Azad University, Shiraz, Iran. Email: eslami5633@gmail.com

2. Ph.D. Student in Political Science the Public Policy, Political Science Department, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Shahreza Branch, Isfahan, Iran.

*. **Corresponding Author:** Email: jahangir.zahra110@yahoo.com

3. Assistant professor, Department of Political Science, Faculty of Law and Human Sciences, Islamic Azad University, Shiraz, Iran. Email: pishghadam@iaushiraz.ac.ir

A B S T R A C T

In today's modern world, the term freedom is very controversial while simple, so that no single definition of it can be presented. Different Islamic and non-Islamic schools have different perceptions about it, each school restricting it based on its own attitude. Some schools regard freedom as absolute, and others consider it to be conditional. The purpose of this study is to investigate the concept of freedom comparative and its implications in the Charter of Citizenship Rights of the Islamic Republic of Iran and the Universal Declaration of Human Rights, to answer these questions; is the concept of freedom and its implications applied equally in both documents? Is freedom recognized in one form in both documents? What are the limiting factors of freedom in documents?



Publisher:

Shahr-e- Danesh
Research And Study
Institute of Law

Article Type:

Original Research

DOI:

10.48300/JLR.2021.129106

Received:

21 July 2018

Accepted:

22 October 2018

Published:

22 May 2021

Copyright & Creative Commons:

© The Author(s). 2021 Open Access. This article is licensed under a Creative Commons Attribution Non-Commercial License 4.0, which permits use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited. To view a copy of this licence, visit <https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>.



Answering these questions in the form of these hypotheses proves that the concept and implication of freedom is different in both documents, although in both documents freedom is considered as the absolute right of mankind. In the Charter of Civil Rights, a legitimate and binding freedom is accepted, while in the Universal Declaration of Human Rights, it is recognized only as binding. The limiting factors of freedom in the Declaration of Human Rights are specified by the law and respect to the rights of others, while in Citizen Rights Charter, in addition to these two, factors such as the need to observe and preserve Islamic principles, the need for religious observance, good morals are specified.

Keywords: Freedom, Charter of Citizens' Rights, Universal Declaration of Human Rights.

Funding: The author(s) received no financial support (funding, grants, sponsorship) for the research, authorship, and/or publication of this article.

Author contributions: Zahra Jahangir: Methodology, Analysis, Resources, Data Curation, writing, review & editing and project management. Ali Eslami: investigation, resources, writing & original draft. Mohammad Kazem Kaveh Pishghadam: Conceptualization, validation, visualization and supervision.

Competing interests: The authors declare that they have no competing interests.

Citation:

Eslami, Ali, Zahra Jahangir & Mohammad Kazem Kaveh Pishghadam. "A Comparative Study of the Concept of Freedom and its Implications in the Charter of Citizens' Rights and the Universal Declaration of Human Rights" *Journal of Legal Research* 20, no. 45 (May 22, 2021): 95-123.

بررسی تطبیقی مفهوم آزادی و مصادیق آن در منشور حقوق شهروندی و اعلامیه جهانی حقوق بشر

علی اسلامی^۱، زهرا جهانگیر*^۲، محمد کاظم کاوه پیشقدم^۳

۱. دانشجوی کارشناسی، دانشگاه آزاد شیراز، واحد پردیس، شیراز، ایران Email: eslami5633@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، سیاست‌گذاری عمومی، گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرضا، اصفهان، ایران

* نویسنده مسئول: Email: jahangir.zahra110@yahoo.com

۳. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران
Email: pishghadam@iaushiraz.ac.ir

چکیده:

در دنیای مدرن امروزی واژه آزادی در عین ساده بودن بسیار مناقشه‌برانگیز است، به طوری که نمی‌توان تعریف واحدی از آن ارائه نمود. در مکاتب مختلف اسلامی و غیراسلامی برداشت‌های متنوعی از آن شده و هر مکتب به فراخور نگرش خود محدودیت‌هایی برای آن قائل است. بعضی از مکاتب در مبانی نظری خویش آزادی را مطلق انگاشته و برخی دیگر آن را مقید به شروطی می‌دانند. این پژوهش با هدف بررسی تطبیقی مفهوم آزادی و مصادیق آن در منشور حقوق شهروندی جمهوری اسلامی ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر به دنبال پاسخ به این پرسش‌هاست، آیا مفهوم آزادی و مصادیق آن در هردو سند حقوقی به‌طور یکسان به کار رفته است؟ در هر کدام از این دو سند، آزادی به یک شکل به رسمیت شناخته شده است؟ عوامل محدودکننده آزادی در این دو سند حقوقی چیست؟ پاسخ به این سؤالات در قالب این فرضیه‌ها اثبات می‌گردد که مفهوم و مصادیق آزادی در هردو سند متفاوت است هرچند که در هردو سند آزادی را حق مسلم بشر می‌دانند اما در



نوع مقاله:
پژوهشی

DOI:

10.48300/JLR.2021.129106

تاریخ دریافت:
۳۰ تیر ۱۳۹۷

تاریخ پذیرش:
۳۰ مهر ۱۳۹۷

تاریخ انتشار:
۱ خرداد ۱۴۰۰



مؤسسه مطالعات
و پژوهش‌های حقوقی شهردانش

منشور، آزادی مشروع و مقید پذیرفته شده است در صورتی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر، آزادی مقید شناخته شده است. عوامل محدودکننده آزادی در اعلامیه حقوق بشر را قانون و رعایت حقوق سایرین مشخص می‌کند و در منشور علاوه بر دو مورد مذکور عواملی نظیر لزوم رعایت و حفظ مبانی اسلامی، لزوم رعایت شرع و اخلاق حسنه، مشخص می‌کند.

کلیدواژه‌ها:

آزادی، منشور حقوق شهروندی، اعلامیه جهانی حقوق بشر.

حامی مالی:

این مقاله هیچ حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان:

زهرا جهانگیر: روش شناسی، تحلیل، منابع، نظارت بر داده ها، نوشتن، بررسی و ویرایش و مدیریت پروژه. علی اسلامی: تحقیق و بررسی، منابع، نوشتن و پیش نویس اصلی. محمد کاظم کاوه پیشقدم: مفهوم سازی، اعتبارسنجی، تصویرسازی و نظارت.

تعارض منافع:

بنابر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

استناددهی:

اسلامی، علی، زهرا جهانگیر و محمدکاظم کاوه پیشقدم «بررسی تطبیقی مفهوم آزادی و مصادیق آن در منشور حقوق شهروندی و اعلامیه جهانی حقوق بشر». *مجله پژوهش‌های حقوقی* ۲۰، ش. ۴۵ (۱ خرداد، ۱۴۰۰): ۹۵-۱۲۳.

مقدمه

آزادی از مهم‌ترین حقوق اساسی و بنیادین بشری به‌شمار می‌رود. این واژه گاهی آنچنان واضح و سهل است که نیازی به بیان تعریف و توصیفی از آن نمی‌باشد و گاه آن چنان سخت و ممتنع می‌باشد که نیاز به تفسیری موسّع دارد. با وجود این، تعریف این واژه در گذر زمان و طی تغییر و تحولات آدمی، اندیشه‌ها و آرمان‌های او دچار دگرگونی‌های بسیاری شده است و اندیشمندان، نظریه‌پردازان و نیز مکاتب اسلامی و غربی باتوجه‌به شرایط و مقتضیات جامعه بشری خویش تعابیر و تعاریف مختلفی برای آن ارائه نموده‌اند. با بررسی‌های صورت‌گرفته مشخص می‌گردد تمامی جوامع آزادی را حق مسلم جامعه بشریت دانسته و همچنین آن را مطلق نمی‌پندارند و برای آن محدودیت‌های قانونی هرچند تنها محدودیت و قید رعایت آزادی دیگران (در جوامع غربی) در نظر گرفته‌اند. چراکه علاوه‌بر ایجاد این نوع محدودیت در دین اسلام، در سایر جوامع غیر اسلامی یعنی همان جوامع غربی مدنظر در این پژوهش نیز در یک نگاه کلان درمورد انواع آزادی‌ها (به‌جز منع شکنجه، منع بردگی و آزادی عقیده) معتقدند که نباید این‌گونه تصور نمود که این مورد (آزادی)، جزء حقوق بشر محسوب شده؛ بنابراین مطلق بوده و جای هیچ‌گونه قید و شرطی ندارد. بلکه در حوزه حقوق بشر محدودیت‌هایی برای آن در نظر گرفته شده است؛ از جمله محدود نکردن و یا محدود نشدن آزادی دیگران یا آسیب‌رساندن به دیگران و شاهد این ادعا به نوعی بندهای ۱ و ۲ ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و آرای فردریک کاپلستون در کتاب تاریخ فلسفه (جلد ۸) و سایر نویسندگان است. شایان ذکر است که به‌دلیل برخی ملاحظات سیاسی و حاکمیتی بعضاً برخی از کشورها با اعمال محدودیت‌هایی خارج از چهارچوب قانون و شرع بر آن تخطی می‌کنند. باتوجه‌به گستردگی معنا و مفهوم آزادی در این مقاله سعی شده است تا پس از بررسی لغوی و اصطلاحی واژه آزادی، مصادیق آن در دو سند حقوقی تحت عناوین منشور حقوق شهروندی جمهوری اسلامی ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر مشخص، موردبررسی و تطبیق قرار گیرد. در ابتدا لازم است اشاره‌ای مختصر به این اسناد نموده و سپس مصادیق آن را مطرح کرد. به‌طور کلی منشور حقوق شهروندی به‌عنوان یک رویکرد تغییر کسب‌وکار در دولت است، درواقع قراردادی میان دولت و مردم درمورد چگونگی ارائه خدمات و تغییر درجهت مدل مدیریتی کسب‌وکار با تأکید بر خواسته‌ها و نیازهای مشتریان است.^۱ منشور شهروندی موافقت‌نامه عمومی بین شهروندان و ارائه‌دهندگان خدمات عمومی است که موجب تدوین واضح انتظارات و استانداردها توسط ارائه‌دهندگان و عرضه‌کنندگان خدمات می‌شود.^۲ انواع مختلفی از محصولات و خدمات برای حفظ، ارتقاء و بهبود کیفیت زندگی افراد ضروری است. محصولات و خدماتی که توسط بخش عمومی یا دولتی مهیا می‌شوند، به‌عنوان خدمات عمومی تعریف می‌گردند

1. M. S. Haque, "Limits of the Citizen's Charter in India," *Public Management Review* 7(3) (2007): 391-416.

2. David Post and Sanjay Agarwal, "How-To Notes Citizen Charters: Enhancing Service Delivery through Accountability (English)", (World Bank's Social Development Department, Report Number: 63890, 2011), 1-11.

که شامل تمام فعالیت‌های ارائه‌شده توسط حکومت برای برطرف ساختن نیازها و خواسته‌های جامعه است.^۳ به این دلیل که در کشور جمهوری اسلامی ایران مؤسسات دولتی بیشتر ارائه‌دهنده خدماتند، بهبود کیفیت خدمات در بخش دولتی دارای اهمیت زیادی است بنابراین ابزارهای ارائه خدمات و برنامه‌هایی که افزایش رضایت شهروندان را در پی دارد نظیر قانون خدمات کشوری و طرح تکریم ارباب‌رجوع موردتجدیدنظر قرار گرفته‌اند. در همین راستا معاونت حقوقی ریاست جمهوری اقدام به تدوین منشور حقوق شهروندی نموده است.

در مقدمه منشور چنین بیان شده است: «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ‌کس نمی‌تواند این حق الهی را از انسان سلب کند یا در خدمت منافع فرد یا گروهی خاص قرار دهد. ملت ایران این حق را از طریق اصول قانون اساسی اعمال کرده؛ به‌موجب اصول ۱۱۳ و ۱۲۱ مسئولیت اجرا و پاسداری از قانون اساسی را برعهده رئیس‌جمهور نهاده است. رئیس‌جمهور که در پیشگاه قرآن کریم و در برابر ملت ایران بر پشتیبانی از حق، گسترش عدالت و حمایت از آزادی و کرامت انسانی افراد و حقوق ملت در قانون اساسی به خداوند سوگند یاد کرده است، «منشور حقوق شهروندی» را برنامه و خطمشی دولت برای رعایت و پیشبرد حقوق اساسی مردم اعلام نموده است. این منشور با هدف استیفاء و ارتقای حقوق شهروندی و به‌منظور تدوین «برنامه و خطمشی دولت»، موضوع اصل ۱۳۴ قانون اساسی، تنظیم شده و شامل مجموعه‌ای از حقوق شهروندی است که در منابع نظام حقوقی ایران مطرح شده و یا دولت برای شناسایی، ایجاد و اجرای آنها مبادرت به اصلاح و توسعه نظام حقوقی، تدوین و تصویب لوایح قانونی یا اقدام قانونی لازم نموده و یا خواهد نمود.»

درمورد اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز باید گفت، به‌لحاظ تاریخی نقطه عطف تولد حقوق بشر در عرصه بین‌الملل را می‌توان تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ (۱۹ آذر ۱۳۲۷) با رأی مثبت ۴۸ کشور از ۵۶ کشور عضو سازمان ملل طی قطعنامه ۲۱۷ مجمع عمومی سازمان ملل در پاریس دانست. این اعلامیه، به‌عنوان نخستین سند عام بین‌المللی درباره حقوق انسان‌ها، حقوق سیاسی سنتی و حقوق اقتصادی و اجتماعی را برای بشر به رسمیت می‌شناسد. اعلامیه حقوق بشر، اصول اخلاقی و هنجاری است و در هر زمان و مکان در مفهوم جهانی خود قابل‌اجراست. اعلامیه به توصیف استانداردهای خاص رفتار انسان می‌پردازد و به‌طور منظم از حقوق قانونی آنها در جوامع شهری و بین‌المللی حفاظت می‌کند. اعلامیه به‌عنوان حقوق مهم انسان‌ها صرف‌نظر از ملت، مکان، زبان، نژاد و یا هر وضعیت دیگر بیان می‌شود.^۴

3. Awang Anwaruddin, "Improving Public Service Delivery through Bureaucracy Reform," (A Paper Presented at the selected papers from the Launching Conference of the Network of Asia-Pacific Schools and Institutes of Public Administration and Governance (NAPSIPAG). Kuala Lumpur, Malaysia, December 6-8, 2004. Publisher: (Manila): Asian Development Bank, 2005), 237, <https://mazawang.wordpress.com/> (Last Accessed on 16, December, 2016). <https://mazawang.wordpress.com/> (Last Accessed on 16, December, 2016).

4. "What are Human Rights?," The United Nations, Office of the High Commissioner of Human Rights, Last Accessed on 16, December, 2016, <http://www.ohchr.org/EN/pages/home.aspx/>.

سه نوع آزادی‌های فردی، جمعی و فکری به‌عنوان مصادیق آزادی در این دو سند مشخص گردیده‌اند که در ابعاد آزادی‌های فردی مهم‌ترین بخش این آزادی‌ها را، آزادی رفت‌وآمد، آزادی مسکن و تعرض‌ناپذیری، آزادی مکاتبات و مکالمات و حق ازدواج آزادانه تشکیل می‌دهد. در مورد آزادی‌های جمعی می‌توان به مواردی چون آزادی تجمع، تظاهرات و آزادی تشکل اشاره کرد و در بحث آزادی‌های فکری می‌توان به آزادی اطلاعات، آزادی اندیشه و عقیده، بیان، آزادی مطبوعات، رادیو و تلویزیون و همچنین آزادی آموزش اشاره نمود. هدف از مشخص کردن این سه نوع آزادی کلی و آزادی‌های زیرمجموعه آن، پاسخ به این سؤال اصلی است که مفهوم آزادی و مصادیق آن در سند منشور حقوق شهروندی جمهوری اسلامی ایران تا چه اندازه با مفهوم آزادی در اعلامیه جهانی حقوق بشر مطابقت دارد و آیا مفهوم آزادی در هر دو سند حقوقی به‌طور یکسان به‌کار رفته است؟ همچنین پاسخ به این سؤالات فرعی که دو سند فوق، آزادی را به یک شکل واحد به رسمیت شناخته‌اند؟ و چه عواملی محدودکننده آزادی در این دو سند حقوقی می‌باشد؟

۱- مفهوم آزادی و مصادیق آن

در کتب لغات فارسی، «آزادی» در معانی مختلفی آمده است از جمله در «فرهنگ عمید» به‌معنای، رهایی خلاص، قدرت عمل، انتخاب، خلاف بندگی و اسارت و اجبار.^۵ همچنین در «لغت‌نامه دهخدا» به‌معنای عشق، حریت، اختیار، خلاف بندگی و رقیت و عبودیت و همچنین قدرت عمل و ترک عمل و قدرت انتخاب می‌باشد.^۶ معادل «آزادی» در زبان انگلیسی Liberty و Freedom است. Freedom از Free به‌معنای آزاد و رها و یا عدم‌مانع گرفته شده و Liberty نیز به‌معنای اختیار و عدم‌تعصب است. منظور از اولی، عدم‌مانع بیرونی و عینی است که از آن به‌عنوان «آزادی از» و «آزادی منفی» نیز تعبیر شده^۷ و دومی نیز به‌معنای عدم‌مانع ذهنی، درونی، فقدان تعصب و نفی اکراه و اجبار درونی است.^۸ در فرهنگ سیاسی و فلسفی پاره‌ای از اندیشمندان آزادی را به مفهوم رهایی از هرگونه قیدوبند؛ عده‌ای دیگر آن را اطاعت از عقل و احترام به قانون معنا کرده‌اند.^۹ تاکنون تعاریف گوناگونی برای مفهوم «آزادی» توسط نسل‌هایی از فیلسوفان، اندیشمندان، متکلمان، جامعه‌شناسان و روانشناسان و سیاست‌گذاران ارائه شده که امکان نقل و بررسی همه این دیدگاه‌ها و نظریه‌ها در این نوشتار ممکن نیست؛ بنابراین باید عنوان نمود که در مباحث جاری و معاصر درباره آزادی بیشتر تأکید بر آزادی حقوقی و سیاسی است؛ مثل آزادی بیان، آزادی عقیده و اندیشه، سکونت، تجارت، مسافرت، رفتار، شیوه زندگی، لباس پوشیدن، غذا خوردن، تحصیل، ازدواج، انتخاب شغل، انتخاب دین، آزادی مطبوعات و رسانه‌ها، اجتماعات و تشکله‌ها و احزاب و ... این نوع

۵. حسن عمید، فرهنگ عمید (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۴)، چاپ دهم، ۱۰.

۶. علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰)، جلد سی و یکم، ۳۱.

۷. نک: آیزیا برلین، چهار مقاله درباره آزادی، ترجمه محمدعلی موحد (تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۸۰)، ۳۳۷.

۸. جهانبخش ایزدی، «آزادی به‌مثابه معنا»، مجله مطالعات روابط بین‌الملل ۱۶ (۱۳۹۰)، ۴۰.

۹. ناصر کاتوزیان، مبانی حقوق عمومی (تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۶)، چاپ سوم، ۳۸۴.

آزادی در عصر حاضر زمینه‌ساز مجادلات، منازعات و مناقشات فراوانی شده است، از این رو تعیین نسبت آن با دین و ارزش‌های معنوی در منشور و اعلامیه ضروری می‌نماید. حقوق و آزادی‌هایی که انسان، چه در حقوق الهی و طبیعی و چه در حقوق موضوعه، از آنها برخوردار است، برخی شامل حقوق و آزادی‌هایی می‌شود که اشخاص عمومی مانند دولت و یا اشخاص خصوصی حق تعرض به آن را ندارند و دولت نیز موظف به پاسداری از آنها و برخورد با کسانی است که به آنها تعرض نمایند. بخشی از حقوق و آزادی‌های دسته اخیر مربوط به تن و جسم انسان است که خود به دو دسته فردی و جمعی تقسیم می‌شود.^{۱۰} در اینجا اشاره‌ای به مصادیق آزادی در سه دسته فردی، جمعی و فکری می‌گردد.

۱-۱- آزادی‌های فردی

آزادی‌های فردی یا شخصی یا آزادی‌های تن و جسم از یک اندیشه ساده سرچشمه می‌گیرند: پیش از یک شهروند آزاد بودن، انسان باید یک فرد آزاد باشد و در برابر تعرضات خودسرانه و غیرقانونی نسبت به جسم، روان، رفت‌وآمد و زندگی خصوصی، مسکن، مکاتبات و ازدواج موردحمایت و حفاظت قرار گیرد. این دسته از آزادی‌ها شامل آزادی رفت‌وآمد، آزادی مسکن و تعرض‌ناپذیری آن، آزادی مکاتبات و مکالمات و حق ازدواج به‌طور آزادانه می‌گردد.^{۱۱}

۱-۱-۱- آزادی رفت‌وآمد

این آزادی به معنای آزادی رفت‌وآمد در داخل و خارج از کشور و آزادی ترک آن است. این آزادی به اصل جابه‌جایی و تغییر مکان از جایی به جای دیگر و وسایل مورد استفاده برای این امر نیز مربوط می‌شود. هر شهروندی می‌تواند در داخل کشور خود بدون هیچ‌گونه محدودیتی از سوی دولت یا اشخاص خصوصی جابه‌جا شود. به این آزادی دست‌کم، در مواقع عادی نه در مواقع اضطراری نباید تعرض گردد.^{۱۲}

۱-۱-۲- آزادی مسکن

مسکن، خانه، آپارتمان یا هر محل دیگر برای سکونت فرد و خانواده‌اش می‌باشد. مسکن افزون بر محل سکونت شامل توابع و الحاقات متصل به آن، حیاط، باغ محصور و حتی اتاق هتل نیز می‌گردد. مسکن چهارچوب اساسی زندگی خصوصی، محل استقرار، سکونت و آرامش روزمره افراد خانواده است. آزادی مسکن دارای چند عنصر است که عبارتند از آزادی انتخاب مسکن، آزادی استفاده از مسکن و تعرض‌ناپذیری مسکن.^{۱۳}

۱۰. بیژن عباسی، حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین (تهران: میزان، ۱۳۸۸)، چاپ دوم، ۳۶۳.

۱۱. بهمن آقایی، فرهنگ حقوق بشر (تهران: گنج دانش، ۱۳۷۶)، چاپ اول، ۱.

۱۲. کریستیان تاموشات، حقوق بشر، ترجمه حسین شریفی طراز کوهی (تهران: میزان، ۱۳۸۴)، ۱.

۱۳. جانوس سیمونیدس، حقوق بشر؛ ابعاد نوین و چالش‌ها، ترجمه محمدعلی شیرخانی (تهران: گرایش ۱۳۸۴)، ۱.

۱-۱-۳- آزادی مکاتبات و مکالمات

هر شهروندی می‌تواند آزادانه با دیگران از راه نامه یا هر وسیله دیگر مانند مکالمات تلفنی یا تلگرافی و یا رایانامه (ایمیل) ارتباط برقرار نماید. آگاهی یافتن از مکاتبات و مکالمات افراد با دیگران جرم است. از سوی دیگر، در اینجا باید عنصر اساسی این آزادی یعنی مخفی ماندن مکاتبات و مکالمات رعایت گردد. مصونیت مکاتبات به معنای ممنوعیت تعرض، از میان بردن، یا باز کردن و افشای مکاتبات و مکالمات به‌طور غیرقانونی می‌باشد و تعرض به آن از ناحیه اشخاص عمومی یا خصوصی منتهی به مجازات می‌شود.^{۱۴}

۱-۱-۴- حق ازدواج به‌طور آزادانه

حق ازدواج به‌طور آزادانه به معنای حق ازدواج افراد با اراده و رضایت آنها و بدون وجود محدودیت‌ها و موانع در این زمینه می‌باشد. حق ازدواج مستلزم آزادی ازدواج کردن زن و مرد بدون وجود محدودیت می‌باشد.^{۱۵}

۱-۲- آزادی‌های جمعی

درواقع، آزادی‌های جمعی امتداد آزادی‌های فردی است و امکان ارتباط افراد با دیگران و اجتماع با آنها برای دفاع از مجموع حقوق و آزادی‌ها می‌باشد. آزادی نه تنها توسط افراد بلکه توسط گروه‌های اجتماعی همانند خانواده و تشکل‌ها می‌تواند مورد مطالبه قرار گیرد. در خصوص آزادی‌های گروه‌های اخیر، عمده‌ترین آزادی، آزادی جمع شدن است که حق افراد جهت جمع گردیدن به‌طور مسالمت‌آمیز برای مشورت و مذاکره به‌صورت مشترک و انجام برخی فعالیت‌های جمعی می‌باشد.^{۱۶} بنابراین می‌توان گفت آزادی‌های جمعی شامل آزادی تجمع، تظاهرات، راهپیمایی و تشکل است که به‌موجب آنها، افرادی که دارای عقاید و نظرات مشترکی هستند در کنار یکدیگر جمع شده در قالب تشکل‌های موقت و یا دائمی از آنها دفاع می‌کنند.

۱-۲-۱- آزادی تجمع و تظاهرات

آزادی تجمع و راهپیمایی یکی از راه‌های حقوقی ابراز دیدگاه‌ها و عقاید به‌طور جمعی می‌باشد. آزادی تجمع، آزادی اجتماع در یک گروه موقت و هماهنگ به‌منظور تبادل دیدگاه‌ها و عقاید مشترک در یک مکان معین و توافق برای دفاع از منافع خود می‌باشد. آزادی تظاهرات، آزادی اجتماع در معابر عمومی (راه‌ها، خیابان‌ها، میدان‌ها، پارک‌ها و ...) به‌منظور بیان یک خواسته مشترک می‌باشد. ویژگی این آزادی این است که در معابر عمومی انجام می‌شود. تظاهرات عبارت از آن است که گروهی از افراد با حضور در معابر عمومی و استفاده از یک فرصت نمایشی به بیان خواسته دسته‌جمعی خود

۱۴. محمدرضا حکیمی و همکاران، *الحیات*، ترجمه احمد آرام (قم: انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۳)، ۱.

۱۵. منوچهر طباطبایی موتمنی، *حقوق اساسی* (تهران: میزان، ۱۳۸۶)، ۱۱.

۱۶. جمشید ممتاز، *تقویت همکاری‌های بین‌المللی در زمینه حقوق بشر* (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲)، ۱.

می‌پردازند.^{۱۷}

۱-۲-۲- آزادی تشکل

آزادی تشکل به معنای آزادی افراد برای اجتماع در یک مجمع و تشکل که از راه آن، آگاهی‌ها، اطلاعات و مساعی خود را به‌طور دائم در اختیار یکدیگر قرار دهند و فعالیت نمایند و هدف آنها غیرانتفاعی و معنوی بوده و به‌دست آوردن سود و درآمد نباشد. این قبیل مجامع معمولاً انجمن، جمعیت، باشگاه یا حزب نامیده می‌شوند.^{۱۸} یکی از مصادیق بارز دموکراسی، شناختن حق آزادی افراد در تشکل و سامان دادن گروه‌های هم‌فکر و هم‌سلیقه است که با توافق بر یک سلسله اصول و ضوابط و تعریف اهداف مشخص و روش‌های خاص فعالیت دسته‌جمعی، به‌صورت مرامنامه یا اساسنامه برای در دست گرفتن قدرت، مشارکت در حکومت و یا رسیدن به اهداف خاص اجتماعی و اقتصادی، فعالیت می‌کنند.^{۱۹}

۱-۳-۱- آزادی‌های فکری

آزادی‌های فکر آن دسته از آزادی‌هایی است که به اطلاعات، اندیشه، وجدان، عقیده و بیان آنها از راه‌های گوناگون مانند گفتار و سخنرانی، مطبوعات، رادیو و تلویزیون، آموزش و نمایش توسط شهروندان مربوط می‌گردد.^{۲۰}

۱-۳-۱-۱- آزادی اطلاعات

آزادی اطلاعات به معنای حق آزادی افراد در جستجو، دسترسی، دریافت، گردآوری، ابراز و انتقال اطلاعات، اخبار و عقایدی است که دولت و دیگر نهادها و مقامات عمومی در اختیار و تحت کنترل دارند.^{۲۱} این آزادی از لوازم تضمین آزادی اندیشه، بیان و مطبوعات است و در قوانین اساسی کشورها و اسناد بین‌المللی به‌عنوان یکی از حقوق بشر موردشناسایی و پشتیبانی قرار گرفته است.^{۲۲}

۱-۳-۱-۲- آزادی اندیشه و عقیده

آزادی اندیشه و عقیده عبارت است از اینکه هر شخصی هر فکری اعم از اجتماعی، فلسفی، سیاسی یا مذهبی را که می‌پسندد یا آن را عین حقیقت می‌پندارد، آزادانه انتخاب کند بی‌آنکه مواجه با نگرانی

۱۷. سید محمد هاشمی، *حقوق بشر و آزادی‌های اساسی* (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۴)، ۱.

۱۸. عباسی، پیشین، ۲.

۱۹. حسین مهرپور، *مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران* (تهران: دادگستر، ۱۳۸۷)، ۱.

۲۰. عباسی، پیشین، ۲.

۲۱. باقر انصاری، *آزادی اطلاعات* (تهران: دادگستر، ۱۳۸۷)، ۱.

۲۲. محمدحسن بنگ‌حبیبی، «بررسی حق آگاهی مردم به‌عنوان یک حق اساسی»، *نشریه حقوق اساسی* ۱ (۱۳۸۲)،

ویا بیم و تجاوزی شود.^{۲۳}

۱-۳-۳- آزادی بیان

همان آزادی افراد در بیان عقیده و ایراد نطق و خطابه، بدون ترس از دخالت دولت است.^{۲۴} مفهوم این آزادی وسیع است که شامل همه فرآورده‌های قلمی (کتاب، روزنامه و مطبوعات)، فرآورده‌های کلامی (سخنرانی) و فرآورده‌های هنری (نقاشی، فیلم، موسیقی، کاریکاتور و ...) می‌شود.^{۲۵} اندیشه بدون بیان آن ارزشی ندارد، فکر هنگامی شکل می‌یابد و مورد محک قرار می‌گیرد که از راه‌های گوناگونی همانند گفتار، نوشتار، رفتار و غیره در عالم خارج ابراز شود؛ بنابراین، به کار انداختن اندیشه و عقیده نباید با مانعی روبه‌رو شود. با وجود این، بیانات جسورانه یا مجرمانه و بازتاب‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن نباید وجدان و احساسات عمومی را جریحه‌دار نماید.

۱-۳-۴- آزادی مطبوعات

مطبوعات دارای دو مفهوم عام و خاص است که در معنای عام، آزادی مطبوعات شامل جست‌وجو و جمع‌آوری و کسب آزادانه اخبار و اطلاعات و عقاید عمومی، انتقال و مخابره آزادانه آنها، انتشار آزادانه روزنامه‌ها و پخش آزادانه برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، دریافت و مطالعه آزادانه مطبوعات و دریافت آزادانه برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی می‌شود. در معنای خاص، آزادی مطبوعات به نشر آزاد روزنامه و سایر نشریات ادواری از قبیل هفته‌نامه‌ها، ماهنامه‌ها و فصلنامه‌ها بدون هیچ‌گونه محدودیت و نظارت قبل از انتشار، عدم توقیف و تعطیل خودسرانه آنها بعد از انتشار، پیش‌بینی دقیق ضوابط مسئولیت‌های قانونی نشریات و رسیدگی به تخلفات و جرایم احتمالی آنها در دادگاه‌های عالی دادگستری با حضور هیئت‌منصفه اشاره دارد.^{۲۶} آزادی مطبوعات یکی از مهم‌ترین اشکال آزادی بیان است، زیرا این آزادی با ایجاد زمینه مبادله و ارتباط آزاد میان انسان‌ها به‌طور مستقیم در شکل‌گیری افکار عمومی نقش بازی می‌کند.

۱-۳-۵- آزادی رادیو و تلویزیون

یکی از وسایل جدید ارتباط جمعی رادیو و تلویزیون است. آنها در آگاه ساختن مردم از اخبار، اطلاعات و رویدادها و روشن کردن و شکل‌گیری افکار عمومی نقش مهمی دارند. آزادی رادیو و تلویزیون به‌معنای آزادی ایجاد شرکت‌های رادیویی و تلویزیونی، آزادی رادیو و تلویزیون در پخش برنامه‌ها و

۲۳. منوچهر طباطبایی مومنی، *آزادی‌های عمومی و حقوق بشر* (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲)، ۸۶.
۲۴. علی آقابخش با همکاری مینو افشاری‌راد، *فرهنگ علوم سیاسی* (تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۵)، چاپ دوم، ۱۵۱.
۲۵. محمد قاری سید فاطمی، *حقوق بشر در جهان معاصر* (تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۹)، چاپ دوم، ۲۴۴.
۲۶. زهرا و فاطمه اجاق، «محدودیت‌های آزادی مطبوعات، نظام بین‌المللی حقوق بشر و نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران»، *نشریه جهانی رسانه* ۱۰(۱) (۱۳۹۴)، ۳۷-۲۰.

آزادی شنوندگان و بینندگان به دریافت برنامه‌های انتخابی آنها می‌باشد.^{۲۷}

۱-۳-۶- آزادی آموزش

آزادی آموزش به معنای آزادی آموزش دادن و آموزش دیدن است. این آزادی دارای آثار چندی است که عبارتند از آزادی تأسیس یک مؤسسه آموزشی و آزادی انتخاب نوع آموزش. در برخی از کشورها، دولت‌ها مفاد و محتوای آموزش را تعیین می‌کنند و در برخی دیگر، دولت‌ها افراد و خانواده‌هایشان را در تصمیم‌گیری درباره آموزش، آزاد می‌گذارند.^{۲۸} آزادی آموزش به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های حقوق بشر دارای شاخصه‌هایی است از جمله آزادی آموزش، آموزش در سطوح بالاتر، مسئولیت فراهم‌آوری آموزش در سطوح مبنایی برای کسانی که آموزش ابتدایی را به‌صورت کامل نگذرانده‌اند، جلوگیری از تبعیض در امر آموزش، آموزش ابتدایی اجباری برای همگان، توسعه آموزش‌های فرعی و الزام به توسعه دسترسی مساوی به امکانات آموزشی.^{۲۹} باید عنوان نمود که امروزه حق برخورداری از آموزش برای تمامی افراد به رسمیت شناخته شده چراکه باعث رشد شخصیت، بالا بردن سطح آموزش و فرهنگ، جذب در زندگی اجتماعی، حرفه‌ای، اعمال حق و وظیفه شهروندی می‌شود.

۲- بررسی تطبیقی مفهوم آزادی و مصادیق آن در منشور حقوق شهروندی و اعلامیه جهانی حقوق بشر

با نگاهی گذرا به منشور و اعلامیه می‌شود چنین استنباط نمود که حقوق اولیه مندرج در اعلامیه، مورد توجه و تأکید منشور نیز قرار گرفته است و هردو در بسیاری از مصادیق و کلیات وحدت نظر دارند. اختلاف نظر را می‌توان در دامنه، مبنا و نحوه استیفای آن حقوق دید نه در اصل برخورداری انسان‌ها از آن حقوق. در مواردی که بین مفاد منشور و اعلامیه، تعارض و تفاوت وجود دارد، ناشی از تفاوت دیدگاه‌ها در زمینه جهانی و نیازهای انسانی است. متأسفانه یکی از عوامل دخیل در این تعارض عدم حضور جدی کشورهای شرقی و به‌ویژه اسلامی، در تدوین اسناد بین‌المللی حقوق بشر است. با بررسی مفاد منشور و اعلامیه در این پژوهش، می‌توان مطرح نمود که آزادی‌هایی که در این دو سند حقوقی درج گردیده و شباهت‌ها و خصوصاً تفاوت‌هایی که بین این دو سند وجود دارد، عبارتند از:

۲-۱- حق آزادی

این حق در قسمت «پ»، ماده ۱۲ منشور بیان شده است و مقرر می‌دارد: «آزادی‌های فردی و

۲۷. کاظم معتمدنژاد، «ویژگی‌های نظام حقوقی و رادیو و تلویزیون»، فصلنامه پژوهش و سنجش ۱۱ (۳۹ و ۴۰) ۶۸-۴۳، (۱۳۸۳).

۲۸. عباسی، پیشین، ۲.

۲۹. حسین رحمت‌اللهی، زهرا دانش‌ناری، «حق و آزادی آموزش و پرورش»، دوفصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی ۷ (۱۳۹۳) ۵۶.

عمومی (جمعی) شهروندان مصون از تعرض است. هیچ شهروندی را نمی‌توان از این آزادی‌ها محروم کرد. محدود کردن این آزادی‌ها تنها به قدر ضرورت و به موجب قانون، صورت می‌گیرد.^۲ در ماده ۲ اعلامیه آمده: «همه انسان‌ها بی‌هیچ تمایزی از هر سان که باشند، اعم از نژاد، رنگ، جنسیت، زبان، مذهب، عقاید سیاسی یا هر عقیده دیگری، خاستگاه اجتماعی و ملی، دارایی، تولد یا در هر جایگاهی که باشند، سزاوار تمامی حقوق و آزادی‌های مطرح در این «اعلامیه» اند. به‌علاوه، میان انسان‌ها بر اساس جایگاه سیاسی، قلمرو قضایی و وضعیت بین‌المللی مملکت یا سرزمینی که فرد به آن متعلق است، فارغ از اینکه سرزمین وی مستقل، تحت قیمومت، غیر خودمختار یا تحت هرگونه محدودیت در حق حاکمیت خود باشد، هیچ تمایزی وجود ندارد.»

مفهوم آزادی در اعلامیه حقوق بشر برخاسته از مکتب حقوق طبیعی، مکتب اومانیزم و به‌ویژه از مفاهیم و ارزش‌های مکتب لیبرالیسم کلاسیک و عمدتاً محصول تلاش کشورهای غربی بوده است. هنگام تدوین اعلامیه، کشورهای سوسیالیستی و کشورهای توسعه‌نیافته از نفوذ چندانی برای اعمال دیدگاه‌های خود برخوردار نبودند. لیبرالیسم کلاسیک نظر خوشی نسبت به دولت ندارد و آن را مزاحم و خطری برای آزادی می‌شمارد و به همین دلیل لیبرال‌ها می‌کوشیدند که دخالت دولت در امور اجتماع محدود و به حداقل کاهش داده شود. به عبارتی معتقد به دولت ژاندارم بودند که وظیفه آن فقط برقراری امنیت داخلی و خارجی، دیپلماسی و دادگستری است. از دیدگاه آنان، آزادی‌های قانونی به‌منزله سنگری در برابر قدرت سیاسی دولت تلقی می‌شد.^۳

نکته برجسته در مفهوم آزادی در اعلامیه، توجه به اصالت فرد است. هدف از توجه به فرد در برابر قدرت سیاسی و پشتیبانی از او در برابر حکومت است. در این اعلامیه، آزادی‌ها به‌صورت منفی عرضه شده‌اند و اصول «آزادی از» یا «رهایی از» در موارد مذکور در اعلامیه دیده می‌شود.^{۳۱} در مبحث آزادی‌ها از یک‌سو، دولت مکلف به عدم‌مداخله و یا مزاحمت در بهره‌گیری از آزادی‌ها و خودداری از رفتار ناقض این حقوق است و از سوی دیگر، تکلیف دولت در پاسداری از آنها در برخورد با متجاوزان می‌باشد. برای نمونه، نباید مانع انجام مراسم مذهبی شد، مقالات انتقادی در مطبوعات نباید برای حکومت نامطلوب تلقی گردد، دولت حق اعمال مجازات علیه مجله یا رادیو و تلویزیون که چنین انتقادهایی را ترویج و منتشر می‌کنند، ندارد.^{۳۲} مفهوم آزادی در منشور به‌عنوان مطالبات شهروندان در برابر قوای عمومی بیان شده است و از دل مفهوم آزادی عناصر کوچک‌تر و فرعی‌تری چون آزادی سیاسی، آزادی مطبوعات، آزادی تجمعات، آزادی دینی، آزادی آموزش و ... می‌باشد. آزادی موردنظر منشور، اعم از آزادی فردی و گروهی است؛ اما نوع نگرش اعلامیه، مبتنی بر اصالت فرد است. از نظر منشور، می‌توان ادعا کرد که همه افراد بشر آزاد آفریده شده‌اند؛ چراکه همه آنان فرزندان آدم و حوا

۳۰. منوچهر طباطبایی مومنی، *حقوق اساسی* (تهران: میزان، ۱۳۸۶)، ۱۱.

۳۱. امیرسعد و کیل و پوریا عسکری، *نسل سوم حقوق بشر: حقوق همبستگی* (تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد،

۱۳۸۳)، چاپ اول، ۱.

۳۲. تاموشات، پیشین، ۱۸۷.

هستند که هر دو انسان‌هایی آزاد بوده‌اند.^{۳۳} در پرتو بینش اسلامی به سهولت و شفافیت هر چه تمام‌تر می‌توانیم استدلال کنیم که هیچ انسانی، ذاتاً برده نیست و بردگی امری عارضی است که بر اثر عوامل خارجی پدید می‌آید. از دیدگاه منشور که برگرفته از تعالیم اسلام است، فلسفه آزادی و دلیل احترام آن، بر پایه اصل توحید به‌آسانی قابل تبیین است؛ چون در رویکرد توحیدی، ارتباط منطقی میان هدف، مسیر تکامل و عوامل بازدارنده حرکت تکاملی انسان، به شفافیت تمام وجود دارد. آزادی انسان نیز در این رابطه منطقی قابل تبیین است. اعلامیه از لحاظ بیان فلسفه و منشأ آزادی و بیان علت لزوم احترام به آزادی، عقیم است. هر چند در مقدمه اعلامیه تصریح شده است که «اساس آزادی، حیثیت ذاتی همه اعضای خانواده بشری است»، اما بانیان و هواداران اعلامیه مزبور نمی‌توانند حیثیت ذاتی بشر را به‌عنوان اصل لازم‌الاحترام، توجیه نموده و آزادی را به‌عنوان ثمره آن مطرح کنند؛ زیرا اثبات آزادی مبتنی بر حیثیت ذاتی بشر، فرع بر تبیین چند مسئله است: مشخص کردن مرتبه وجودی انسان در نظام هستی، تعریف سیر هدف‌دار و مسیر تکوینی و غایی انسان و درنهایت شناسایی عوامل بازدارنده سیر تکاملی انسان.^{۳۴}

غربی‌ها از حیثیت ذاتی بشر به رهایی بشر رسیده‌اند؛ در صورتی که پذیرش و احترام این حیثیت به صیانت آن است، نه رها کردن آن. در منشور آزادی محدود به احکام شریعت است که حق خداوند، کرامت انسانی و حقوق دیگران را به‌عنوان عوامل تحدیدکننده مطرح می‌کند؛ اما از نظر اعلامیه، قانون قلمرو آزادی را تعیین می‌کند. آزادی به‌مثابه یک حق اساسی و بنیادین بشر، مورد اهتمام اسلام و منشور است. واژه «آزادی» دارای مفاهیم مختلف فلسفی، روان‌شناختی، اخلاقی و حقوقی است که باید مورد توجه قرار بگیرد؛ در غیر این صورت بحث آزادی به نتیجه مطلوب نخواهد رسید.^{۳۵}

یکی از مفاهیم آزادی، آزادی تکوینی و آزادی تشریحی است که این دو را باید از هم جدا نمود. آزادی تکوینی، به‌معنای اختیار در برابر جبر است؛ به این معنا که انسان در محدوده فعالیت‌های ارادی خویش تکویناً آزاد است. این آزادی، جوهره انسانیت، مبنای کرامت انسان و موجب امتیاز او از دیگر حیوانات است. اصولاً در پرتو این آزادی است که دین و دین‌داری معنا می‌یابد و اعمال ارادی انسان به صفات اخلاقی «خوب» یا «بد» متصف می‌شود. مقصود از آزادی تشریحی، مشروعیت و جواز همه گزینه‌ها و اطراف اختیار انسان در محدوده قانون است، نه مطلقاً. از دیدگاه اسلام و منشور، آزادی تکوینی مطلق است، اما آزادی تشریحی محدود؛ یعنی انسان به‌لحاظ تکوینی مطلقاً آزاد است، اما به‌لحاظ تشریحی این‌گونه نیست؛ بلکه عواملی نظیر حق خداوند، کرامت انسانی و حقوق دیگران، از عوامل تحدیدکننده آزادی در منشور می‌باشد.^{۳۶} محدودیت‌هایی که در منشور و اعلامیه برای مفهوم آزادی در نظر گرفته شده را باید در راستای حمایت از حقوق و آزادی‌های دیگران و دفاع از منافع

۳۳. محمد سروش، *آزادی، عقل و ایمان* (قم: دبیرخانه مجلس خبرگان، مرکز تحقیقات علمی، ۱۳۹۵)، ۳۶.

۳۴. محمدحسن قدردان قراملکی، *آزادی در فقه و حدود آن* (قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۲)، چاپ اول، ۱.

۳۵. محمدتقی جعفری، *حقوق بشر جهانی* (تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۸۶)، چاپ دوم، ۲.

۳۶. ناصر کاتوزیان، «عدالت اجتماعی و حقوق بشر»، *فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران* ۳ (۱۳۸۶)، ۲۳-۳۹.

کشور و منافع جامعه دانست. مفهوم آزادی در این دو سند حقوقی را می‌توان با عبارت معروف «آزادی هر کس باید محدود به آزادی دیگران باشد» تعریف نمود.

۲-۲- آزادی رفت‌وآمد در داخل و خارج از کشور

این آزادی در قسمت «ذ»، ماده ۴۸ منشور بیان شده است: «حق هر شهروند است که آزادانه در داخل کشور رفت‌وآمد کند و از ایران خارج و یا به ایران وارد شود، مگر اینکه به موجب قانون این حق محدود شده باشد.» همچنین در ماده ۴۹ چنین بیان می‌دارد: «حق شهروندان است که در هر نقطه از سرزمین ایران، اقامت و سکونت کنند. هیچ کس را نمی‌توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل موردعلاقه‌ای ممنوع و یا به اقامت در محلی مجبور ساخت مگر در مواردی که قانون مقرر می‌دارد.» ماده ۱۳ اعلامیه می‌گوید: «۱- هر کس حق دارد که در داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور کند ... ۲- هر کس حق دارد هر کشوری و از جمله کشور خود را ترک کند و یا به کشور خود بازگردد.»

در منشور و اعلامیه، آزادی رفت‌وآمد در داخل کشور به معنای آزادی آمدوشد شهروندان و عبور و مرور و یا توقف وسایل نقلیه شخصی شهروندان می‌باشد که در هردو سند حقوقی، این آزادی به رسمیت شناخته شده و هر نوع ممنوعیت کلی برای این آزادی جز در موارد ضروری و خطرآفرین ممنوع است. رفت‌وآمد در تمامی معابر و راه‌های عمومی حق شهروندان است بنابراین بایستی برای آنان آزاد، برابر و رایگان باشد و دولت‌ها نمی‌توانند آن را محدود و یا منوط به مجوز نمایند. البته استفاده غیرعادی و معمولی از این معابر و راه‌ها حق شهروندی نمی‌باشد. همچنین در مورد مسئله توقف باید عنوان نمود که توقف، نتیجه هر عبور و مرور بوده و یک نوع حق می‌باشد که در هردو سند حقوقی، این آزادی توقف دارای محدودیت‌هایی شده است از جمله: «دولت‌ها می‌توانند در راستای امنیت و تسهیل رفت‌وآمد، آن را در برخی خیابان‌ها و کوچه‌ها یا بخش‌هایی از آنها ممنوع نمایند. همچنین دولت‌ها می‌توانند مدت توقف را محدود و توقف و پارک‌های پولی یا پارکومتر در کنار معابر تعیین نمایند. توقف ممتد در معابر عمومی یک حق آزادی نیست و می‌تواند ممنوع شود.»

در منشور، اصل بر آزادی رفت‌وآمد گذاشته شده و شهروندان و نیز دولت موظفند به این نوع آزادی احترام گذارند البته شایان ذکر است که برای این آزادی با در نظر گرفتن شرایط جامعه و نیز مقتضیات ایجاد نظم عمومی و امنیت محدودیت‌های قانونی متعددی هم برای شهروندان و هم برای وسایل حمل‌ونقل مانند خودرو، قطار، هواپیما و کشتی در نظر گرفته شده است. برای مثال دولت برای رفت‌وآمد عابران پیاده و خودروها و چگونگی آن مقررات و محدودیت‌هایی نظیر استفاده از پیاده‌روها، جاهای خط‌کشی و ... برای عابران پیاده، داشتن چراغ، کمربند ایمنی و ... برای خودرو و محدودیت سرعت و داشتن گواهینامه برای رانندگان توسط مقامات دولت مرکزی و مقامات محلی وضع نموده است.

در مورد آزادی رفت‌وآمد از خارج از کشور منشور و اعلامیه رویه واحد و یکسانی ندارند چراکه در منشور خروج از کشور به آسانی رفت‌وآمد در داخل کشور نبوده و دارای محدودیت‌هایی می‌باشد و نیز

مستلزم صدور گذرنامه توسط مقامات دولت متبوع و گرفتن روادید از کشور خارجی است. باتوجه به مفاد بیان شده در اعلامیه می‌توان چنین استنباط نمود که: «باید حکم کرد که هیچ کشوری نمی‌تواند مرزهای خود را به روی اتباع کشورهای دیگر ببندد و همچنین از رفت‌وآمد اتباع خود به خارج و داخل کشور جلوگیری نماید. به همین دلیل هرگونه ایجاد محدودیت در این حوزه تهدید جدی برای تفاهم و صلح جهانی محسوب می‌شود»^{۳۷} اما در مورد مفاد منشور که برگرفته از قانون اساسی، قانون مجازات اسلامی و قوانین کیفری جمهوری اسلامی ایران می‌باشد دارای محدودیت‌هایی است که ریشه در دیگر قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران دارند. آزادی‌های رفت‌وآمد در منشور دارای محدودیت‌هایی می‌باشد که در اعلامیه این محدودیت‌ها به وضوح دیده نمی‌شود. از جمله می‌توان به:

۱- دستور به ماندن در محل سکونت یا خودداری از رفت‌وآمد به محل‌های معین: از جمله مواردی که در منشور باعث می‌شود که رفت‌وآمد محدود گردد، بازگشت به ماده ۲۹ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ می‌باشد که به واسطه این ماده یک شخص را از خارج شدن از یک جای معین یا از رفت‌وآمد به محل‌های معین محدود می‌نماید؛

۲- ممنوع‌الخروج شدن: طبق ماده ۱۸۸، ۲۴۷ و ۲۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ می‌توان فردی را در صورت ارتکاب جرم یا داشتن بدهی‌هایی به اشخاص عمومی و خصوصی از جمله مالیات، از ترک کشور با صدور قرار ممنوع‌الخروجی ممنوع نمود. بازپرس می‌تواند متناسب با جرم ارتكابی افزودن بر صدور قرار تأمین، قرار نظارت قضایی از جمله دستور منع خروج متهم را از کشور را برای مدت معین صادر نماید. همچنین مطابق ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی: «دادگاه می‌تواند فردی را که به حد، قصاص یا مجازات‌های تعزیری از درجه شش تا درجه یک محکوم کرده است با رعایت شرایط مقرر در این قانون، متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات وی به یک یا چند مجازات از مجازات‌های تکمیلی زیر محکوم نماید: ... ح - منع از خروج اتباع ایران از کشور ...»

۳- موازین مربوط به نظارت قضایی: این امر که بنا به تصمیم دادگاه صورت می‌گیرد یک شخص را وادار می‌کند که از حوزه جغرافیایی معین شده توسط قاضی خارج نشود.

۴- مجازات ممنوعیت از اقامت: به موجب ماده ۲۳ و ۴۳ قانون مجازات اسلامی «... الف - اقامت اجباری در محل معین، ب - منع اقامت در محل یا محل‌های معین ...» و «... ب - اقامت یا عدم اقامت در مکان معین ...» این مجازات شخص را از حضور در برخی محل‌های معین شده توسط دادگاه ممنوع می‌نماید.

۲-۳- آزادی مسکن و تعارض ناپذیری

در قسمت «خ»، ماده ۳۶ منشور عنوان شده است: «حق هر شهروند است که حریم خصوصی او

۳۷. طباطبایی مومنی، حقوق اساسی، پیشین، ۱۱.

محترم شناخته شود. محل سکونت، اماکن و اشیاء خصوصی و وسایل نقلیه شخصی از تفتیش و بازرسی مصون است، مگر به حکم قانون.» همچنین در قسمت «س»، ماده ۷۳ چنین مقرر شده است (آزادی مسکن و تعرض ناپذیری): «ماده ۷۳- حق شهروندان است که از مسکن ایمن و متناسب با نیاز خود و خانواده‌شان بهره‌مند شوند. دولت بر اساس نیاز و با رعایت اولویت و امکانات زمینه استیفای این حق را فراهم می‌نماید.» در ماده ۱۲ اعلامیه آمده است: «... محل سکونت، ... کسی نباید در معرض دخالت خودسرانه واقع شود. ... هرکس حق دارد در این‌گونه دخالت‌ها یا این‌گونه تجاوزها از پشتیبانی قانون برخوردار باشد.»

در بررسی تطبیقی حق آزادی مسکن در منشور و اعلامیه حقوق بشر باید اذعان داشت؛ در ماده ۱۲ اعلامیه حقوق بشر با به‌کار بردن لفظ «خودسرانه»، آزادی و مصونیت مسکن و در کل حریم خصوصی از هرگونه عمل خودسرانه که پشتیبانی قانونی را دربر نداشته باشد، مصون است بنابراین در شرایطی که قانون ايجاب می‌کند، تعرض بلامانع می‌شود. باتوجه به ماده ۳۶ و ۷۳ منشور نیز این مصونیت می‌تواند با عملکرد قانونی دستگاه‌های اجرایی شکسته شود. به‌طوری‌که در تفتیش‌ها، ضبط‌ها و بازرسی‌های مسکن در مسائل کیفری، پس از وقوع جرم و درمورد کشف جرایم و تعقیب مجرمان مطرح می‌شود. در این موارد، مقامات انتظامی باتوجه به شرایط و فرایندهای پیش‌بینی شده در قانون آیین دادرسی کیفری جمهوری اسلامی ایران از جمله دستور مقامات قضایی می‌توانند به منزل یک شهروند وارد و در آن تفتیش و بازرسی کرده و اقدام به دستگیری متهم نمایند.

۲-۴- حق آزادی مکاتبات و مکالمات

در قسمت «ج» ماده ۳۱ منشور آمده است: «حق شهروندان است که به اطلاعات شخصی خود که توسط اشخاص و مؤسسات ارائه‌دهنده خدمات عمومی جمع‌آوری و نگهداری می‌شود، دسترسی داشته باشند و در صورت مشاهده اشتباه، خواستار اصلاح این اطلاعات گردند. اطلاعات خصوصی مربوط به افراد را نمی‌توان در اختیار دیگران قرار داد، مگر به‌موجب قانون یا با رضایت خود افراد.» ماده ۱۲ بیان می‌دارد: «... مراسلات کسی نباید در معرض دخالت‌های خودسرانه واقع شود...»

باتوجه به مفاد مربوطه در اعلامیه و منشور می‌توان استنباط نمود که در هر دو سند قانونی مبنای مصونیت مکاتبات، مکالمات و اسرار شخصی افراد موردپذیرش قرار گرفته است اما این پذیرش درمورد قانونی می‌تواند دارای استثنائاتی باشد. در منشور قانونگذار برای مطالب و اسرار خصوصی مردم احترام خاصی قائل شده است و به‌عنوان ضمانت‌اجرای کیفری ماده ۵۸۲ قانون تعزیرات، مجازات قانونی جرایم ذکر شده در اصل ۲۵ قانون اساسی را بیان کرده است که این ماده تعرض به مکاتبات و مکالمات تلفنی اشخاص خصوصی توسط دیگران و مأموران عمومی را جرم و مشمول مجازات دانسته است. ولی گاه برخی مقامات درموردی می‌توانند بر مکاتبات و مراسلات نظارت نمایند. این نظارت‌ها می‌توانند در حریم افرادی شکل بگیرند که احتمال دارد نظم، امنیت و آسایش عمومی جامعه را برهم زده باشند. همچنین در امور کیفری هنگامی که یک تحقیق آغاز می‌شود قاضی تحقیق می‌تواند مکاتبات و مکالمات مظنون را در منزل یا در اداره پست رهگیری و ضبط کند

و یا برای به دست آوردن اطلاعاتی درباره امنیت ملی و جرایم، مکالمات تلفنی را ضبط نماید. پس آزادی مکاتبات و مکالمات و مصونیت آنها در منشور و اعلامیه تأیید شده است و تعرض به آن دارای مجازات‌های قانونی می‌باشد.^{۳۸}

۲-۵- حق ازدواج به‌طور آزادانه

در قسمت «ر»، ماده ۵۱ منشور در مورد حق ازدواج به‌طور آزادانه بیان نموده است: «حق شهروندان است که با رضایت کامل، آزادانه و بدون هیچ‌گونه اجباری نسبت به ازدواج و تشکیل خانواده، با رعایت قانون مربوط اقدام نمایند.» در ماده ۱۶ اعلامیه آمده است: «الف) زن و مرد وقتی به سن ازدواج برسند می‌توانند بدون هیچ قید نژادی، ملی و دینی ازدواج کنند و خانواده تشکیل دهند. آنان به هنگام زناشویی و در اثناء و هنگام انحلال آن دارای حقوق متساوی می‌باشند؛ ب) عقد ازدواج جز با رضایت آزادانه همسران آینده، قانونی نیست؛ ج) خانواده عنصر طبیعی و اساسی اجتماع است و باید از پشتیبانی جامعه و دولت برخوردار باشد.» باتوجه به بررسی‌های انجام شده در مفاد اعلامیه و منشور می‌توان آزادی ازدواج را در دو حیطه آزادی‌های فردی و قانونی مورد بررسی قرار داد: در هردو سند حقوقی رضایت کامل و قید آزادانه بودن و عدم هیچ‌گونه اجبار را می‌توان وجه مشترک دانست و در مورد آزادی‌های قانونی می‌توان استنباط نمود که در ماده ۱۶ اعلامیه حق ازدواج آزادانه به‌طور مطلق بیان شده است و هیچ‌گونه محدودیتی برای آن در نظر نگرفته شده است اما در منشور این آزادی مقید بوده و منوط به رعایت قوانین می‌باشد.

۲-۶- آزادی تشکل، تجمع و تظاهرات

در قسمت «د»، ماده ۴۳ آمده است، شهروندان از حق تشکیل، عضویت و فعالیت در احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های اجتماعی، فرهنگی، علمی، سیاسی و صنفی و سازمان‌های مردم‌نهاد، با رعایت قانون، برخوردارند. هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت. عضویت یا عدم عضویت نباید موجب سلب یا محدودیت حقوق شهروندی یا موجب تبعیض ناروا شود. همچنین طبق ماده ۴۶: «حق شهروندان است که آزادانه و با رعایت قانون نسبت به تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها و شرکت در آنها اقدام کنند و از بی‌طرفی دستگاه‌های مسئول و حفاظت از امنیت اجتماعات برخوردار شوند.» در ماده ۲۰ اعلامیه چنین بیان شده است: «الف) هر کس حق دارد آزادانه در احزاب و اجتماعات مسالمت‌آمیز شرکت جوید؛ ب - هیچ‌کس را نمی‌توان مجبور به شرکت در اجتماعی کرد.»

باتوجه به بررسی‌ها، می‌توان نتیجه گرفت که در هردو سند حقوقی، تشکل، تجمع و تظاهرات برای بیان خواسته‌ها آزاد است. اصول مربوطه در هردو سند بیان‌کننده آزادی تشکل و تشکیل حزب و جمعیت، انجمن‌های سیاسی، صنفی و اقلیت‌های دینی است و مقرر می‌دارد که کسی حق ندارد

افراد را مجبور به شرکت و پیوستن به آنها یا جلوگیری از آنها در پیوستن به تشکّل‌ها نماید. برای ایجاد یک تشکّل اعم از انجمن، جمعیت و حزب و رسمیت و فعالیت آن باید مراومه و اساسنامه آن را تقدیم مراجع عمومی ذی‌ربط کرد. این تشکّل‌ها پس از تصویب اساسنامه و گرفتن پروانه فعالیت می‌توانند آزادانه تشکّل شوند و فعالیت کنند.

مطابق قوانین جمهوری اسلامی ایران، هر تشکّل با اهداف یا فعالیت‌های مغایر نظم عمومی غیرمجاز، نامشروع، مخالف قوانین، حقوق و آزادی‌های ملت و اخلاق حسنه، منافعی عفت و با انگیزهٔ تعرّض به شکل حکومت یا نظام سیاسی و یکپارچگی سرزمینی قانوناً باطل بوده و آثار حقوقی ندارد؛ اما در باب محدودیت‌های مربوط به آزادی تجمّع و تظاهرات، بر ضرورت احترام و رعایت نظم عمومی استوار شده است. تجمّعات عمومی نیاز به مجوز اداری و اعلام قبلی به دولت ندارند، اما تظاهرات ضرورت اعلام قبلی آن به اداره مربوط را دارد. آزادی تظاهرات در صورتی که به نظر مرجع ذی‌صلاح یا انتظامی برای نظم عمومی خطرناک و منجر به اختلال در آن گردد، می‌تواند ممنوع اعلام شود. ولی مرجع مربوط باید میان انجام اختیارات خود و احترام به آزادی تجمّع و تظاهرات آشتی برقرار نماید؛ بنابراین اگر ممنوعیتی برای تظاهرات وجود نداشته باشد، می‌تواند آزادانه برگزار شود. ولی چنانچه تظاهرکنندگان اسلحه یا وسایل و ادوات خطرناک برای امنیت عمومی را حمل کنند با ضمانت‌اجراهای کیفری روبه‌رو خواهند شد. همچنین مرجع ذی‌صلاح یا پلیس بدون ممنوع کردن تظاهرات، می‌تواند دستورات و اقدامات لازم را برای جلوگیری از پیامدهای سوء آن انجام دهد. آزادی تظاهرات و راهپیمایی در منشور تا آنجا آزاد می‌باشد که نظم عمومی را برهم نزند و مسلحانه و مخل به مبانی اسلام نباشد. هر چند تظاهرات جنبهٔ مطالباتی یا اعتراضی داشته باشد، نظم جامعه در هر حال اقتضاء می‌کند این اجتماعات به صورت آرام و مسالمت‌آمیز تشکّل و از برخوردهای خشونت‌آمیز دوری شود.^{۳۹}

۲-۷- آزادی اطلاعات

قسمت «ج»، ماده ۲۶ منشور در مورد آزادی اطلاعات چنین مقرر می‌دارد: «... شهروندان حق دارند نظرات و اطلاعات راجع به موضوعات مختلف را با استفاده از وسایل ارتباطی، آزادانه جست‌وجو، دریافت و منتشر کنند...» در مورد آزادی اطلاعات در اعلامیه ماده ۱۹ آن چنین بیان شده است: «هرکس حق آزادی عقیده و بیان دارد و حق مزبور شامل آن است که ... در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن از طریق هر رسانه‌ای و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد.» در هردو سند آزادی اطلاعات پذیرفته شده است، اما در اعلامیه این آزادی به صورت مطلق پذیرفته شده است اما در منشور این آزادی مقید به قید قانون بوده و مستلزم حقوق و مسئولیت‌های خاصی است و باید در راستای احترام به حقوق و حیثیت دیگران، حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، سلامت و اخلاق عمومی باشد. همچنین این آزادی نباید منافعی با مبانی اسلام باشد و رعایت مصالح کشور، اسرار دولتی کشور،

۳۹. هاشمی، پیشین، ۱.

حریم خصوصی شهروندان، اطلاعات تجاری و ... ضروری است.

۲-۸- آزادی اندیشه و عقیده

در قسمت «ج»، ماده ۲۵ منشور چنین بیان شده است: «شهروندان از حق آزادی اندیشه برخوردارند. تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به‌صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد.» در ماده ۱۸ اعلامیه آمده است: «هرکس حق دارد از آزادی فکر، ... بهره‌مند شود. این حق متضمن آزادی تغییر مذهب یا عقیده و همچنین دربرگیرنده اظهار عقیده و ایمان و نیز شامل آزادی آموزش‌های مذهبی و انجام مراسم دینی می‌باشد. هرکس می‌تواند از این حقوق منفرداً یا مجتمعاً به‌طور خصوصی و عمومی برخوردار باشد.» در این زمینه در هر دو سند حقوقی حق آزادی عقیده و اندیشه به رسمیت شناخته شده است و تنها نکته‌ای که می‌توان به‌عنوان مفارقت این دو سند بیان کرد در بحث حدود آنهاست که در اعلامیه به‌صورت مطلق بیان شده و در منشور مشروط می‌باشد بر اینکه «به‌صرف داشتن» عقیده آزاد می‌باشد؛ بنابراین منشور به‌روشنی موضوع آزادی عقیده و اندیشه را به‌رسمیت شناخته و تفحص و جستجوی اندیشه و عقاید دیگران را جایز نمی‌داند. تا آنجا که شخص عقیده‌ای باطل در درون خویش داشته باشد اما اقدام به تظاهر، تبلیغ یا القای آن به دیگران ننماید، کنکاش ذهن او جایز نیست. ولی در عین حال، نشر افکار و عقاید باطل و جذب اذهان خام و ساده در گمراهی مجاز نیست. آنجا که ابراز عقیده محل نظم عمومی، اخلاق حسنه یا مزاحم حقوق و آزادی‌های دیگران گردد، قابل مجازات است؛ بنابراین، بیان عقیده و اعتقاد مادامی که به دیگران آسیبی نزنند جرم به‌شمار نمی‌آید مگر آنکه آن اظهارات به‌منظور برهم زدن نظم عمومی در جامعه بیان شده باشد.^{۴۰}

انگیزه منشور از بیان ماده ۲۵، بیان فطرت مساوی در بین انسان‌ها می‌باشد، چراکه هر انسانی می‌تواند باتوجه به فطرت و حقانیت وجودی خود عقیده و اعتقادی مستقل داشته باشد؛ اما حق آزادی عقیده مطلق نیست؛ بلکه این حق تا زمانی محترم است که با حق الله و حق جامعه سازگار باشد و انسان را از هدف اصلی خلقت غافل نکند. در مقام تعارض، حق آزادی عقیده محدود می‌شود.^{۴۱} در دیدگاه اعلامیه، آزادی عقیده مطلق است. حقانیت یا عدم حقانیت عقیده هیچ موضوعیتی ندارد. در این ماده، برخلاف اسناد حقوقی و قانون اساسی کشورهای دیگر، از تعبیر «آزادی عقیده» استفاده نشده است و تصریح نشده که افراد برای داشتن هر عقیده و نیز بیان آن، دارای حق‌اند؛ بلکه تأکید شده است که اشخاص، به «صرف داشتن عقیده» مورد تعرض قرار نمی‌گیرند، با این قید، علاوه بر اینکه «عمل برطبق عقیده» مورد حمایت قرار نمی‌گیرد، بلکه حتی «اظهار عقیده» نیز خارج از مفاد این ماده بوده و نمی‌توان گفت که ممانعت از اظهار عقیده، در قانون نفی شده است؛ بنابراین قابل قبول نیست که برخی بگویند که در این ماده مطرح شده در منشور «آزادی داشتن عقیده و بیان

۴۰. جعفری، پیشین، ۲.

۴۱. همانجا.

آن تضمین شده است.»

۲-۹- آزادی بیان

آزادی بیان در قسمت «ج»، مواد ۲۶، ۲۷، ۲۸ و ۲۹ منشور بیان شده است که چنین مقرر می‌دارد: «ماده ۲۶- هر شهروندی از حق آزادی بیان برخوردار است. این حق باید در چهارچوب حدود مقرر در قانون اعمال شود ... دولت باید آزادی بیان را به‌طور خاص در عرصه‌های ارتباطات گروهی، اجتماعی و فضای مجازی از جمله روزنامه، مجله، کتاب، سینما، رادیو، تلویزیون و شبکه‌های اجتماعی و مانند اینها طبق قوانین تضمین کند. ماده ۲۷- شهروندان حق دارند اندیشه، خلاقیت و احساس خود را از طرق مختلف آفرینش فکری، ادبی و هنری با رعایت قوانین و حقوق دیگران بیان کنند. ماده ۲۸- شهروندان از حق نقد، ابراز نارضایتی، دعوت به خیر، نصیحت درمورد عملکرد حکومت و نهادهای عمومی برخوردارند. دولت موظف به ترویج و گسترش فرهنگ انتقادپذیری، تحمل و مداراست. ماده ۲۹- دولت از آزادی، استقلال، تکثر و تنوع رسانه‌ها در چهارچوب قانون حمایت می‌کند. هیچ مقامی حق ندارد برخلاف موازین قانونی برای انتشار یا عدم انتشار اطلاعات یا مطالب درصدد اعمال فشار بر مطبوعات و سایر رسانه‌ها برآید یا به سانسور یا کنترل نشریات و سایر رسانه‌ها مبادرت نماید.» مواد ۱۸ و ۱۹ اعلامیه نیز آزادی بیان را به رسمیت شناخته‌اند. (مواد مذکور در بالا بیان شد)

یکی از مهم‌ترین وجوه تمایز آزادی بیان در منشور با آزادی بیان در ادبیات حقوق بشر غربی این است که در منشور، امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان حق بشری مطرح شده است؛ درحالی‌که اعلامیه حقوق بشر نسبت به آن کاملاً بیگانه است. منشور با رویکرد اسلامی خود، سکوت و خودداری از بیان را حق مطلق ندانسته و بیان کرده که شهروند مسلمان نباید نسبت به امور خیر و شر دیگران بی‌اعتنا باشد. در این ارتباط آیت الله مکارم شیرازی از فقهای معاصر عنوان می‌کند که «هرگاه احتمال صحیح داده شود که سکوت سبب می‌شود که عمل منکری معروف یا عمل معروفی منکر شود، بر همه مخصوصاً علمای اسلام واجب است که حق را اظهار و اعلام کنند و سکوت جایز نیست.»^{۴۲} همچنین در حکمی دیگر مطرح می‌کند: «هرگاه سکوت علمای اسلام یا غیر آنها موجب تقویت ظالم یا تأیید او شود یا سبب جرئت او بر سایر محرمات گردد، واجب است اظهار حق و انکار باطل کنند؛ هرچند که تأثیر فوری نداشته باشد.»^{۴۳}

باتوجه به ماده ۲۹ منشور، شاید به‌نظر برسد که امر به معروف و نهی از منکر از قوانین تحدیدکننده آزادی به‌شمار می‌رود؛ اما اگر بپذیریم که آزادی باید در محدوده قانون اسلام باشد و یکی از قوانین اسلام، امر به معروف و نهی از منکر است، دایره آزادی به همه قوانین اسلام محدود می‌شود. بدین ترتیب، امر به معروف و نهی از منکر، با اصل آزادی در چهارچوب ارزش‌های اسلامی منافاتی

۴۲. نک: آیت الله مکارم شیرازی، «پورتال النهار: فتاوی آیت الله مکارم شیرازی، مسئله ۲۴۱۶»، (تاریخ دسترسی:

۱۳۹۷/۰۲/۲۵).

<https://portal.anhar.ir/node/3331#gsc.tab=0>.

۴۳. همان، مسئله ۲۴۱۷.

ندارد؛ اما اگر آزادی را به معنای غربی آن بنگریم که بر اساس آن هیچ کس حق ندارد در امور مربوط به دیگران دخالت کند، امر به معروف و نهی از منکر از آن رو که دخالت در امور دیگران است، با آزادی در منافات خواهد بود. با وجود چنین منافاتی، باید فرد تصمیم بگیرد که یا به خاطر آزادی، دستور خداوند را نادیده بگیرد یا به دستور خداوند گردن نهاده، از آزادی صرف نظر کند. به همین سبب، از دیدگاه غربیان، امر به معروف و نهی از منکر، دخالت در کار دیگران تلقی می‌شود^{۴۴} به اعتقاد ما، امر به معروف و نهی از منکر نه تنها با آزادی منافاتی ندارد، بلکه ضامن آزادی و احیای حقوق بشر است؛ چون امر به معروف و نهی از منکر، رابطه دوسویه فرد و جامعه و بیانگر مسئولیت متقابل افراد و اجتماع است. فلسفه اصلی آزادی بیان، فراهم آوردن زمینه تکامل شخصیت انسان، شکوفایی استعدادها، بالقوه فردی و تأمین سلامت مادی و معنوی جامعه است. گفتگوی آزاد، زمینه‌ساز مشارکت سیاسی، انسجام ملی و سرانجام منجر به کشف حقیقت و پیشرفت اجتماعی می‌شود. با بررسی اعلامیه نتیجه گرفته می‌شود که مصادیق حق آزادی بیان علاوه بر سخن گفتن و آزادی کلام شامل حق دسترسی به اطلاعات و تکنولوژی‌های جدید اطلاع رسانی از جمله اینترنت و شبکه‌های خبری، ماهواره و یا در قالب آثار ادبی و هنری نظیر نقاشی، فیلم و تئاتر و تبلیغات تجاری نیز می‌شود. نکته مهم دیگر آن است که تأکید شده که محدودیت‌های وارد بر اعمال این حق باید مطابق با قانون ایجاد شده باشد و اعمال آن محدودیت‌ها در یک جامعه دموکراتیک ضروری باشند و دولت‌ها نمی‌توانند با تفسیر موسّع خود، دامنه محدودیت‌های وارد بر اعمال این حق را گسترش دهند. بنابراین حق آزادی بیان یک حق مطلق نیست بلکه مقید به قیود و شرایطی است و نقش فرهنگ‌ها و مقتضیات خاص، نظم عمومی، بهداشت عمومی و اخلاق حسنه را نیز نباید نادیده گرفت.

به‌طور کلی در مورد اصل آزادی اندیشه و بیان باید عنوان نمود که در اعمال محدودیت‌های لازم، منشور و اعلامیه اتفاق نظر دارند. مهم‌ترین تفاوت دو رویکرد اسلامی و غربی در این زمینه این است که دیدگاه منشور، دیدگاهی اسلامی است بنابراین شریعت تعیین‌کننده قلمرو حق آزادی اندیشه و بیان است و خاستگاه شریعت نیز اراده خداوند است؛ اما از نظر اعلامیه محدودیت‌های آزادی اندیشه و بیان را فقط قانون تعیین می‌کند که خاستگاه آن اراده قانونگذار، انسان است.^{۴۵} منشور، سوءاستفاده از حق آزادی بیان، حمله به مقدّسات و اخلال در ارزش‌ها را صراحتاً منع کرده است؛ در صورتی که اعلامیه حقوق بشر غربی، نسبت به این مسئله ساکت است. در این ماده درحالی که از داشتن «هر عقیده» و «بیان» آن، دفاع شده، ولی «تبلیغ و ترویج» عقاید غلط، غیرمجاز اعلام شده است. لازمه این ماده آن است که داوری درباره حق یا باطل بودن عقاید به دولت واگذار شود و اوست که تصمیم می‌گیرد کدام عقیده باطل است و باید از تبلیغ آن جلوگیری کرد. داوری درباره اینکه عقیده غلطی،

۴۴. محمدتقی مصباح یزدی، بزرگ‌ترین فرضیه، تدوین و نگارش قاسم شبان‌نیا (قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام

خمینی (قدس سره) انتشارات بهار، ۱۳۹۰، ۱۸۷.

۴۵. مهدی منتظر قائم، آزادی‌های شخصی و فکری از دیدگاه امام خمینی و مبانی فقهی آن (تهران: مؤسسه تنظیم و

نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۱)، ۱.

صرفاً «بیان» شده و یا «ترویج» شده است، با دولت است.^{۴۶} در این صورت بیان عقیده در رسانه‌ها و اجتماعات و حتی ارائه آن در کلاس درس و یا در یک نشریه و یا در یک گزارش نیز مصداق «تبلیغ عقیده» است.

اعلامیه در بند ۲ ماده ۲۹ خود به همین مسئله تزامم و تعارض حقوق با یکدیگر و محدود کردن آنها پرداخته است. بند ۲ این ماده مقرر می‌دارد: «هرکس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی‌های خود فقط تابع محدودیت‌هایی است که توسط قانون منحصراً به‌منظور تأمین شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای رعایت مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در شرایط یک جامعه دموکراتیک وضع گردیده است.» بنابراین روشن است که حق آزادی بیان در شرایط و اوضاع و احوالی قابل تعلیق است اما باید در نظر داشت که محدودیت‌هایی که بر اعمال این حق وارد می‌شوند باید توسط قانون ایجاد شده باشند، ضروری باشند، برای تأمین و تضمین شناسایی و احترام به حقوق و آزادی‌های دیگران اعمال شوند، همچنین برای حمایت از امنیت ملی یا نظم عمومی یا بهداشت عمومی یا اخلاق باشند و درنهایت آنکه این محدودیت‌ها باید باتوجه به یک جامعه دموکراتیک ضروری و لازم شناخته شوند و توسط یک دولت قانون‌مدار توسط قواعد حقوقی صحیح اعمال گردیده و بر اعمال و اجرای آن، نظارت قضایی صحیح وجود داشته باشد.

در منشور، آزادی اندیشه و بیان از اهمیت والایی برخوردار است. از دیدگاه منشور، همان‌گونه که آزادی عقیده نباید به‌اندازه‌ای برسد که حیات آدمی را از قابلیت تفسیر و توجیه ساقط کند، آزادی بیان نیز تا زمانی مجاز است که به سقوط و بی‌اعتباری اندیشه نینجامد. هر فعالیت آزاد در صورتی ارزش دارد که «خیر» باشد و الاً آزادی فی‌نفسه مطلوبیت ندارد، از این‌رو، بیان اندیشه و رأی، نباید به شخصیت خود شخص و یا به روحیات و عقاید سالم مردم، لطمه‌ای وارد کند. در یک کلام، آزادی تا آنجا محترم است که با کرامت انسانی در تعارض نباشد و راه تکامل معنوی انسان را سد نکند. بدون شک، ضرر آزادی مطلق اندیشه و بیان - اگر بیشتر نباشد - کمتر از زیان‌های ناشی از نبود آزادی در این حوزه نیست.^{۴۷}

۲-۱۰- آزادی مطبوعات

در قسمت «ج»، ماده ۲۹ منشور در مورد آزادی مطبوعات چنین عنوان شده است: «دولت از آزادی، استقلال، تکثر و تنوع رسانه‌ها در چهارچوب قانون حمایت می‌کند. هیچ مقامی حق ندارد برخلاف موازین قانونی برای انتشار یا عدم‌انتشار اطلاعات یا مطالب درصدد اعمال فشار بر مطبوعات و سایر رسانه‌ها برآید یا به سانسور یا کنترل نشریات و سایر رسانه‌ها مبادرت نماید.» باتوجه به ماده ۱۹ اعلامیه: «هر انسانی محق به آزادی عقیده و بیان است؛ و این حق شامل آزادی داشتن باور و عقیده‌ای بدون [نگرانی] از مداخله [و مزاحمت]، و حق جستجو، دریافت و انتشار اطلاعات و افکار

۴۶. سید محمد احمدی، کرامت انسانی و مجازات‌های بدنی از منظر اسلام و حقوق بشر غربی (قم: انتشارات مؤسسه

آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۰)، ۱.

۴۷. همانجا.

از طریق هر رسانه‌ای بدون ملاحظات مرزی است.» استنباط می‌شود که به دلیل آنکه مطبوعات وسیله‌ای برای انتشار عقیده و بیان و نیز وسیله دریافت عقیده و بیان دیگران است، آزادی مطبوعات پذیرفته شده است. در هردو سند حقوقی آزادی مطبوعات به شکل مشترک بیان شده و هردو سند، آزادی مطبوعات را به رسمیت شناخته‌اند اما در منشور، آزادی مطبوعات مطلق نبوده و دارای شرایطی از جمله رعایت اصول آزادی، برابری، بی‌طرفی، استقلال، صحت، صداقت انصاف و مسئولیت می‌باشد. همچنین مطبوعات نباید مطالبی را که محل نظم عمومی و اخلاق حسنه است، منتشر کنند. این محدودیت‌ها در راستای حفظ احترام به حقوق یا حیثیت دیگران، حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، سلامت یا اخلاق عمومی می‌باشد.

۲-۱۱- آزادی رادیو و تلویزیون

در ماده ۲۶ منشور آمده است: «... شهروندان حق دارند نظرات و اطلاعات راجع به موضوعات مختلف را با استفاده از وسایل ارتباطی، آزادانه جستجو، دریافت و منتشر کنند. دولت باید آزادی بیان را به‌طور خاص در عرصه‌های ارتباطات گروهی و اجتماعی و فضای مجازی از جمله روزنامه، مجله، کتاب، سینما، رادیو، تلویزیون و شبکه‌های اجتماعی و مانند اینها طبق قوانین تضمین کند.» ماده ۱۹ اعلامیه مقرر می‌دارد: «هر انسانی محق به آزادی عقیده و بیان است؛ و این حق شامل آزادی داشتن باور و عقیده‌ای بدون [نگرانی] از مداخله [و مزاحمت]، و حق جستجو، دریافت و انتشار اطلاعات و افکار از طریق هر رسانه‌ای بدون ملاحظات مرزی است.» استنباط می‌شود که آزادی رادیو و تلویزیون به دلیل آنکه وسیله‌ای برای انتشار عقیده و بیان و همچنین وسیله دریافت عقیده و بیان دیگران است، مورد پذیرش قرار گرفته است.

هردو سند حقوقی، آزادی رادیو و تلویزیون به رسمیت شناخته شده است. آزادی رادیو و تلویزیون به معنای آزادی تأسیس و اداره این رسانه‌ها توسط اشخاص را مورد تأیید قرار می‌دهند. افراد باتوجه به قوانین و مقررات در تهیه و ارائه برنامه‌هایی شامل اخبار، هنر و ... آزاد هستند. همچنین این آزادی شامل آزادی شنوندگان و بینندگان به دریافت برنامه‌های دلخواه و انتخابی آنها می‌باشد. نکته‌ای که باید به آن توجه نمود، این است که شرط بهره‌گیری از این آزادی، رعایت و حفظ نظم عمومی، آزادی دیگران و تکثر و چندگانه‌گرایی است. در منشور، آزادی رادیو و تلویزیون دارای خطمشی و ترتیب اداری و سازمانی می‌باشد و در نشر عقاید و نقل و جریان اطاعات، برنامه‌ها و اخبار باید اصول آزادی، برابری، بی‌طرفی، استقلال، صحت و صداقت، انصاف و مسئولیت را در نظر بگیرند.^{۴۸} همچنین این رسانه‌ها باتوجه به دامنه و حجم گسترده مخاطبان خود باید موازین مربوط به نظم عمومی، امنیت و دفاع ملی را مدنظر قرار دهند و به آثار و پیامدهای پخش برنامه‌های خود در جامعه آگاه باشند که این مسئله در اعلامیه مدنظر قرار نگرفته است.

۲-۱۲- آزادی آموزش

باتوجه به اهمیت نظام آموزشی در جمهوری اسلامی ایران، قسمت «ظ»، مواد ۱۰۴ تا ۱۱۱ منشور به شکل مبسوط به آزادی آموزش پرداخته است که مهم‌ترین مواد آن عبارتند: «۱۰۴- شهروندان از حق آموزش برخوردارند. آموزش ابتدایی اجباری و رایگان است. دولت زمینه دسترسی به آموزش رایگان تا پایان دوره متوسطه را فراهم می‌سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد نیاز و ضرورت کشور به‌طور رایگان گسترش می‌دهد. دولت آموزش پایه را برای افراد فاقد آموزش ابتدایی فراهم می‌آورد. ۱۰۵- همه استادان و دانشجویان حق بهره‌مندی از مزایای آموزشی و پژوهشی از جمله ارتقاء را دارند. اعطای تسهیلات و حمایت‌های علمی از جمله فرصت مطالعاتی، بورسیه و غیره صرفاً باید بر اساس توانمندی‌های علمی، شایستگی، فارغ از گرایش‌های جناحی، حزبی و مانند اینها باشد.» در مواد ۲۶ و ۲۷ اعلامیه چنین بیان شده است: «ماده ۲۶- الف) هرکس حق دارد از تعلیم و تربیت استفاده کند. تعلیم و تربیت باید دست‌کم در مورد آموزش ابتدایی و اساسی رایگان باشد. تعلیمات فنی و حرفه‌ای باید برای همه ممکن باشد. دسترسی به تعلیمات عالی باید برای همه و بنا به شایستگی هرکس امکان‌پذیر باشد؛ ب) هدف تعلیم و تربیت باید شکوفایی کامل شخصیت بشری و تقویت احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد. تعلیم و تربیت باید حُسن تفاهم و گذشت و دوستی بین همه ملت‌ها و همه گروه‌ها از هر نژاد یا هر دین، همچنین گسترش فعالیت‌های ملل متحد را برای حفظ صلح تسهیل کند؛ ج) پدر و مادر برای تعیین نوع تعلیم و تربیت فرزند خود حق اولویت دارند. ماده ۲۷- الف) هرکس حق دارد آزادانه در زندگانی فرهنگی اجتماع شرکت جوید و از اقسام هنرها استفاده کند و در پیشرفت علمی و برکات حاصل از آن سهیم باشد؛ ب) هرکس حق دارد از منافع اخلاقی و مادی ناشی از هرگونه دستاورد علمی و ادبی یا هنری که به‌وجود آورده باشد، حمایت شود.»

در هردو سند حقوقی آزادی آموزش و آزادی تأسیس و اداره یک مؤسسه آموزشی و آزادی دستیابی به آموزش فارغ از خاستگاه اجتماعی دانش‌آموزان، آزادی انتخاب نوع آموزش و آزادی انتخاب مطالب و موضوعات برای یادگیری به رسمیت شناخته شده است؛ اما در منشور، آزادی آموزش مطلق نیست و دولت بایستی بر آن نظارت داشته باشد. این نظارت زمان تأسیس مؤسسه آموزشی، به‌نوعی اخذ مجوز تأسیس یا در جریان فعالیت آموزشی، از جمله نظارت بر کیفیت آموزش‌ها و باتوجه به مقتضیات نظم عمومی می‌باشد.

نتیجه

در جوامع مدرن غربی که حاکمیت مکاتب لیبرال در آنها وجود دارد، از آزادی به معنای مطلق بهره می‌گیرند و هر آنچه را که مانع بر سر خواسته‌های مشروع و نامشروع خود می‌پندارند، مانع از آزادی می‌دانند. منشور حقوق شهروندی جمهوری اسلامی ایران، پیام‌آور آزادی از نوع آزادی مشروط و مشروع است. آنچه امروزه در قالب لیبرالیسم در جوامع سرمایه‌داری و لیبرال دموکرات کنونی

پذیرفته شده مبنای شکل‌گیری اعلامیه بوده و از نظر منشور مردود است. باتوجه به بررسی‌های انجام‌شده، می‌توان به این نتیجه رسید که آزادی مطلق در عمل وجود ندارد و طبیعتاً هر کشوری برای اداره جامعه و جلوگیری از هرج و مرج مجبور به وضع قوانین و مقرراتی در راستای حفظ منافع عامه جامعه خویش می‌باشد؛ بنابراین در اینجا است که محدودیت‌های ذاتی در مقابل آزادی خودنمایی می‌کند از جمله این محدودیت‌ها می‌توان به رعایت قانون و حقوق دیگران اشاره کرد که این مسئله در اعلامیه به روشنی قابل مشاهده است؛ از آنجایی که حکومت کشور ایران، حکومتی اسلامی است بنابراین تمامی احکام و قوانین اسلام در تمامی حقوق داخلی آن از جمله منشور مشاهده می‌گردد؛ بنابراین آزادی به صورت مقید پذیرفته شده و مواردی از آزادی که خلاف فطرت پاک انسان‌ها و موجب انحراف از آن باشد، ممنوع اعلام شده است؛ به عبارت دیگر در منشور، علاوه بر رعایت قانون و حقوق سایرین که در اعلامیه حقوق بشر به آن توجه شده، محدودیت‌هایی دیگر نظیر لزوم رعایت حاکمیت الهی، لزوم رعایت شرع، رعایت مصالح عامه، رعایت قواعد کلی فقهی و اصول عقلانیت و ... در نظر گرفته شده است. به طور کلی نسبت به پذیرش مفهوم آزادی اعلامیه و منشور اتفاق نظر دارند اما در مورد محدودیت‌های پذیرفته‌شده در قلمرو آزادی‌های فردی، جمعی و فکری دارای مغایرت‌هایی هستند به طوری که در مبحث آزادی رفت و آمد در داخل کشور، هردو سند حقوقی آن را به رسمیت شناخته و هرگونه ممنوعیت کلی بر این آزادی بجز در صورت وجود خطر شدید ممنوع دانسته‌اند. در مورد آزادی رفت و آمد در خارج از کشور دو سند دارای رویه واحد و یکسانی نمی‌باشند. در منشور خروج از کشور به آسانی رفت و آمد در داخل کشور نیست و دارای محدودیت‌هایی می‌باشد. در بررسی تطبیقی حق آزادی مسکن در منشور و اعلامیه باید اذعان داشت؛ در ماده ۱۲ اعلامیه با به کار بردن لفظ «خودسرانه»، آزادی و مصونیت مسکن و در کل حریم خصوصی از هرگونه عمل خودسرانه که پشتیبانی قانونی را در بر نداشته باشد، مصون است بنابراین در شرایطی که قانون ایجاب می‌کند، تعرض بلامانع می‌شود. باتوجه به ماده ۳۶ و ۷۳ منشور نیز این مصونیت می‌تواند با عملکرد قانونی دستگاه‌های اجرایی شکسته شود. همچنین در هردو سند قانونی مبنای مصونیت مکاتبات، مکالمات و اسرار شخصی افراد مورد پذیرش قرار گرفته است اما این پذیرش در موارد قانونی می‌تواند دارای استثنائاتی باشد. در هردو سند حقوقی در مورد حق ازدواج آزادانه، رضایت کامل و قید آزادانه بودن و عدم هیچ‌گونه اجبار را می‌توان وجه مشترک دانست. در این ارتباط در ماده ۱۶ اعلامیه حق ازدواج آزادانه به طور مطلق بیان شده و هیچ‌گونه محدودیتی برای آن در نظر نگرفته شده است؛ اما در منشور این آزادی مقید شده و منوط به رعایت قوانین می‌باشد. اصول مربوطه در هردو سند بیان‌کننده آزادی تشکل و تشکیل حزب و جمعیت، انجمن‌های سیاسی، صنفی و اقلیت‌های دینی است و مقرر می‌دارد که کسی حق ندارد افراد را مجبور به شرکت و پیوستن به آنها یا جلوگیری از آنها در پیوستن به تشکل‌ها نماید. همچنین در هردو سند، آزادی اطلاعات پذیرفته شده است، در اعلامیه این آزادی به صورت مطلق پذیرفته شده است اما در منشور این آزادی مقید به قید قانون می‌باشد.

هردو سند حقوقی حق آزادی عقیده، اندیشه و بیان را به رسمیت شناخته‌اند و تنها نکته‌ای که می‌توان به عنوان مفارقت این دو سند بیان کرد در بحث حدود آزادی عقیده، اندیشه و بیان می‌باشد

که در پس از به رسمیت شناختن آن می‌توان بیان داشت که منشور رعایت اصول آزادی، برابری، بی‌طرفی، استقلال، صحت، صداقت، انصاف و مسئولیت را ضروری دانسته است. هردو سند حقوقی، آزادی بیان و مطبوعات را قابل‌تسری به آزادی رادیو و تلویزیون می‌دانند و این آزادی به معنای آزادی تأسیس و اداره این رسانه‌ها توسط اشخاص مورد تأیید قرار گرفته است. در زمینه آزادی آموزش نیز هردو سند آن را به رسمیت شناخته‌اند، همچنین آزادی تأسیس و اداره یک مؤسسه آموزشی و آزادی دستیابی به آموزش فارغ از خاستگاه اجتماعی دانش‌آموزان، آزادی انتخاب نوع آموزش و آزادی انتخاب مطالب و موضوعات برای یادگیری، اما منشور بیان داشته است که آزادی آموزش نمی‌تواند مطلق باشد و نظارت دولت در بهره‌گیری از این آزادی ضروری می‌باشد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- آقابخش، علی، با همکاری مینو افشاری‌راد. فرهنگ علوم سیاسی. چاپ دوم. تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۷۵.
- آقایی، بهمن. فرهنگ حقوق بشر. چاپ اول. تهران: گنج دانش، ۱۳۷۶.
- اجاق، سیده زهرا، سیده فاطمه اجاق. «محدودیت‌های آزادی مطبوعات، نظام بین‌المللی حقوق بشر و نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران». مجله جهانی رسانه ۱۰ (۱) (۱۳۹۴): ۳۷-۲۰.
- احمدی، سید محمد. کرامت انسانی و مجازات‌های بدنی از منظر اسلام و حقوق بشر غربی. چاپ اول. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۰.
- انصاری، باقر. آزادی اطلاعات. چاپ اول. تهران: دادگستر، ۱۳۸۷.
- ایزدی، جهانبخش. «آزادی به‌مثابه معنا». مطالعات روابط بین‌الملل ۱۶ (۱۳۹۰): ۶۴-۳۵.
- برلین، ایزیا. چهار مقاله درباره آزادی. ترجمه محمدعلی موحد. تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۸۰.
- بنگ‌حبیبی، محمدحسن. «بررسی حق آگاهی مردم به‌عنوان یک حق اساسی». نشریه حقوق اساسی ۱ (۱۳۸۲): ۹۶-۶۵.
- تاموشات، کریستیان. حقوق بشر. ترجمه حسین شریفی طرازکوهی. تهران: میزان، ۱۳۸۴.
- سیمونیدس، جانوس. حقوق بشر: ابعاد نوین و چالش‌ها. ترجمه محمدعلی شیرخانی. تهران: گرایش، ۱۳۸۳.
- جعفری، محمدتقی. حقوق بشر جهانی. چاپ دوم. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۸۶.
- حکیمی، محمدرضا، محمد حکیمی و علی حکیمی. الحیات. چاپ اول. ترجمه احمد آرام. قم: انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۳.
- دهخدا، علی‌اکبر. لغت‌نامه. جلد سی و یکم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
- رحمت‌اللهی، حسین، زهرا دانش ناری. «حق و آزادی آموزش و پرورش». دوفصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی ۳ (۷) (پاییز ۱۳۹۳): ۷۰-۵۳.
- سروش، محمد. آزادی، عقل و ایمان. قم: دبیرخانه مجلس خبرگان، مرکز تحقیقات علمی، ۱۳۸۱.
- طباطبایی موتمنی، منوچهر. حقوق اساسی. چاپ یازدهم. تهران: میزان، ۱۳۸۶.
- طباطبایی موتمنی، منوچهر، آزادیهای عمومی و حقوق بشر. چاپ سوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
- عباسی، بیژن. حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین. چاپ دوم. تهران: انتشارات دادگستر دانش، ۱۳۹۵.
- عمید، حسن. فرهنگ عمید. چاپ دهم. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۴.
- فروم، اریک. انسان برای خویشتن. چاپ هفتم. ترجمه اکبر تبریزی. تهران: انتشارات بهجت، ۱۳۹۴.
- قاری سید فاطمی، محمد. حقوق بشر در جهان معاصر. چاپ دوم. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۸۹.
- قدردان قراملکی، محمدحسن. آزادی در فقه و حدود آن. چاپ اول. قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
- کاتوزیان، ناصر. «عدالت اجتماعی و حقوق بشر». فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران ۳۷ (۳) (۱۳۸۶): ۳۹-۲۳.
- کاتوزیان، ناصر. مبانی حقوقی عمومی. چاپ سوم. تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۸۶.
- مصباح‌یزدی، محمدتقی. بزرگ‌ترین فرضیه. تدوین و نگارش قاسم شبان‌نیا. چاپ سوم. قم: مؤسسه آموزشی

و پژوهشی امام خمینی (قدس سره)، انتشارات بهار، ۱۳۹۰.

معمدنژاد، کاظم. «ویژگی‌های نظام حقوق و رادیو و تلویزیون». *فصلنامه پژوهش و سنجش* ۱۱ (۳۹ و ۴۰) (پاییز، ۱۳۸۳): ۶۸-۴۳.

[آیت الله] مکارم شیرازی، «پورتال النهار: فتاوی آیت الله مکارم شیرازی»، «مسئله ۲۴۱۶»، «مسئله ۲۴۱۶»، تاریخ دسترسی: ۱۳۹۷/۰۲/۲۵.

ممتاز، جمشید. *تقویت همکاری‌های بین‌المللی در زمینه حقوق بشر*. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.

منتظر قائم، مهدی. *آزادی‌های شخصی و فکری از دیدگاه امام خمینی و مبانی فقهی آن*. چاپ اول. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۱.

مهرپور، حسین. *مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*. چاپ اول. تهران: دادگستر، ۱۳۸۷.

وکیل، امیرسعد، پوریا عسکری. *نسل سوم حقوق بشر حقوق همبستگی*. چاپ اول. تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۳.

هاشمی، سید محمد. *حقوق بشر و آزادی‌های اساسی*. چاپ اول. تهران: نشر میزان، ۱۳۸۴.

ب) منابع خارجی

Anwaruddin, A. "Improving Public Service Delivery through Bureaucracy Reform." A Paper Presented at the selected papers from the Launching Conference of the Network of Asia-Pacific Schools and Institutes of Public Administration and Governance (NAPSIPAG). Kuala Lumpur, Malaysia, December 6-8, 2004. Publisher: (Manila): Asian Development Bank, 2005), 237, <https://mazawang.wordpress.com/> (Last Accessed on 16, December, 2016).

Haque, M. S. "Limits of the Citizen's Charter in India." *Public Management Review* 7(3) (2007): 391-416.

Nickel, James w. (Spring 2014). "Human Rights." In *The Stanford Encyclopedia of Philosophy*, edited by Edward N. Zalta, Metaphysics Research Lab, Center for the Study of Language and Information, Stanford University, California, 46. , URL<<https://plato.stanford.edu/archives/spr2014/entries/rights-human/>>.

Post, David., and Sanjay Agarwal. *How-To Notes Citizen Charters: Enhancing Service Delivery through Accountability (English)*. (World Bank's Social Development Department, Report Number: 63890, 2011), 1-11.

The United Nations Office of the High Commissioner of Human Rights. "What are Human Rights?." Last Accessed December 16, 2016, <http://www.ohchr.org/EN/pages/home.aspx/>.